

## در صفحات دیگر این شماره:

- حزب توده مأمّن ساواکیها، تاجرها، مفاطمه کاران، زمینداران و ...! صفحه ۱۴
- باز هم درباره سازمان دست راستی "امل" و پیوند رژیم ایران با آن صفحه ۱۶
- حمایت از مجاهدین خلق وظیفه نیروهای انقلابی است صفحه ۱۶
- بازسازی طرح امپریالیستی بایگانه کنارک... صفحه ۱۶
- رادیوهای وابسته به امپریالیسم و جنبش خلق صفحه ۸

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# پیکار

۵۹

Bibliothek in Hannover

۱۶ صفحه

بهار ۲۰۰۰ سال

دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۵۹

## دانشگاه این سنکر آزادی خارج چشم چه کسانی است که اینچنین آن قفل تعطیل زده اند؟

ساعتیل دانشگاه این کانون آگاهی و مرکز اخبار و سیاه دل نظریه‌های و بیداری فکری بود که کسانی است؟  
 چرا این سنکر آزادی، این طلب همیشه بر طبقه مبارزه مردم ما سبزه درد دوره قیام را تعطیل کرده اند؟  
 این دستپای سیاه کسانی است که بر دره‌های دانشگاه فعل و بر سحر زده است؟

آنها کسانی هستند که رذوب بدن بخنای بومی، کد میخه محوم مبارزه طبقاتی و ملی مردم ما عاید امیرا لیس و هیئت خاکمه رجا می است سخت در خواست و بنیان خاکمیت خود را در خطر می بیند و لذا دانشگاهها را بدینجهت که میبواند جلوه‌های از این مبارزات را در اسکال ایدئولوژیک و سیاسی اش به نمایش گذارد.

بقیه در صفحه ۴

## جنگ قدرت در "بالا" ماهیت آن و وظایف نیروهای انقلابی

قدرت حاکم بطور کلی هدف خود را بازسازی نظام سرمایه داری وابسته میدانند. این امر بستگردد عمل از طرف جناحهای مختلف درون قدرت حاکم نشان داده شده منتهی هر یک بشیوه خاص خود، خواهان این بازسازی است همین اختلاف روش در رسیدن به هدف که مبارزه طبقاتی موجود در جامعه و بحران روبه رشد اقتصادی و اجتماعی آنرا تشدید میکند باعث شده است که بویژه دو جناح چپ رزق و قدرتمند رژیم اختلافاتشان بالا گیرد. آری، جنگ قدرت در "بالا" وحدت سیاسی بقدهای یافته است دو جناح قدرتمند قدرت حاکم آشکارا بهم چسبک و دندان نشان میدهند. "اسلامیت" و "معتوبیت" "قرامون" گشته است و "اخوت اسلامی" و "وحدت کلمه" توسط منادیان آن ها بشدت لگدکوب میشود و در این میان هر یک دیگری را مقصر خطاب میکنند و از تجربه‌های خاص خود برای آزمایش در گردن حریف یا ری میجوید. یکی دیگری را "قدرت طلب"، "فرصت طلب"، "چماق دار" و... میخوانند و دیگری القابی چون "پاندول"، "غرب-گرا"، "غیر مکتبی" و... نشان ر حریف میکنند بطوریکه فغان آیت الله خمینی هم بشدت از این مبارزه خودی-ها "بلند شده و آنها را از "مبارزه" با یکدیگر بر حذر می دارد و "تازش" را توصیه میکند. آیت الله خمینی در سخنرانی اش خطاب به استانداران این نگرانی خود را از "مبارزه خودی" ها چنین ابراز می دارد:

"... در طول این مبارزه از قبیل ۱۵ ارد ۱۳۵۹ خرداد ۲۲ تا وقتی که تسلط ناهمنگامی بهم خورد هیچ وقت نگران نبودم... لکن حالا نگرانم... نگرانی بقیه در صفحه ۴

## سرنوشت نامعلوم زندانیان سیاسی مبارز و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی صفحه ۱۳

## کردستان، سرزمین حماسه، قلب پر طپش انقلاب! • "پاکسازی" یعنی اعدام دختران زندانی!! صفحه ۵



## پای صحبت کارگران

مصاحبه‌های کوتاهی با چند تن از کارگران هما صفحه ۳

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

### جنگ قدرت...

من از داخل خودمان است... (ارگانهای اسلامی) مرتدا دعوت به توافق میکنند همه لکن خودتان هم توافق ندارید. این موجب نگرانی است... حالا دیگر مبارزه با هم باید سازش نکنیم... لکن مع الاسف آدمی بیند که بهرحال دست میگذارد اختلاف است... آنچه موجب نگرانی است آن است که جمهوری اسلامی تکلیف بخورد... (با مداد، ۲۲ خرداد)

ولی علیرغم تصاحیح آیت الله خمینی (در نقش یک یار زندهنده بین دو جناح - اگر چه بدلائل زیاد دی خود به جناح حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش نزدیکتر است) که این نصیحتها را قبلا همه "همه آقایان" گفته است ("من مدتهاست که برای این جنبش کرامت و همه آما با این نگرانی را گفته ام" - با مداد، همان تاریخ) جنگ قدرت کمترین و تسدت بیشتر می یابد، بطوریکه حتی سران جناحها با ذکر نام به یکدیگر حمله میکنند، البته در این میان هر یک از حریفان به حربه های خاص خود مجهز هستند و بسوی خویش در جهت برتری بر دیگری تلاش میکنند. جناح با مصلح "لیبرالها" حول محور سنی، چه رویا سنی، و دیگر برهبری سنی مدرن تر بر بحران اقتصادی - سیاسی جامعه تا کنین میکنند و اینکه این بحران در صورت بر سر عقل نیامدن حریف و متحدان در فضا ل معطلات اقتصادی - سیاسی و... (یعنی در برابر برنده ها و انقلاب با قیام راه افتادن سبیل عظیم و بنیان کن توده ها میسود و همه را با هم (یعنی قدرت حاکم را) در کام خود فرو خواهد برد. برای فرار از گرداب بحرانها و معطلات موجود، ضمن ناخوش به سبیه های یکجانبه و کند ذهنی و حسک - مغزی حریف، با روش "تهدید و تحریک" (همان روش تعدیل نده "چماق و نان سیرنی" که در مقابل مردم و انقلابیون بکار میگیرد و کوسوز کردن خطرات سیاسی یکجانبه و یک سدی آنها خطر "رشد نیروهای مخالف" را مندرک میسود و آنها را از سبب سرکوب صرف و سپاه هم بی رویه بر حذر می دارد،) "عدالتی و مباح حدیث" است. بحث کسب، با جماعتی حرکتی در برده اسباب کاری از سنی سنی برسم - سنی مدرن انقلاب اسلامی ۱۲ خرداد)، و بد سبزی از روش و منش بورژوازی و دور اندیشانه خود فرامیخواند، سنی مدرن بر اصل "چماق و نان سیرنی" پای میفکند و "کارآئی" این اصل را در موارد متعدد و از جمله گردستان مندرک میسود و از "اسفاده از خود" و "بر سر عقل آمدن" "تسبب عمده ای از نیروهای مخالف در گردستان، در انزیکار یکری" اصل "قول الذکر" ساد میگیرد. ولی کوئی "نور و صبح آهنگ بر سنگ" حریف کبود شرو حریف ترا است که "موقعیت خطر کبونی" (یعنی موقعیت جامعه محمول و انقلابی کبونی) را درک کند و بدون آئیندنگری فقط میجو ادهمده جیرا درسد تدرت خود به با انصار یکدیگر و حتی به "دوسان" و "بیرا - دران" خود نیز زحمر و روانی دارد و صاحب نمیکند که اکثر اوضاع بدین متوال برود، سبیل بوده ها بدول آتسای سنی مدرن آنها را با هم خواهد دید.

جناح با مصلح "لیبرالها" برهبری سنی مدرن (که از طبیعتی محلی چون جهدملی، تسبب آزادی، روحا سبب سبب لیبرال... تشکیل شده است) برای رسیدن به مقصود و با سوجدکا "چماق و نان سیرنی" تا کینک همای رسرا را احیا کرده دو کماکان اجرا میکند:

۱ - سرکوب با طبع نیروهای انقلابی و سوده های آکا دخلق - در این مورد بهر طریقی هما هنگی و وحدت

با حریف بر قدرت مقابل، لازم و اجتناب پذیر است.

۲ - تلاش برای تفهیم وحدت بین خود و جناح حریف (خطاب به حزب جمهوری اسلامی در مقاله "ما و حزب ما"؟ "ما همواره خواهان وحدت و تفاهت هستیم - انقلاب اسلامی، ۲۵ خرداد) و ضرورت آن در رویا روشی با موج فزاینده ناراضیاتی توده ها و رشد نیروهای انقلابی.

۳ - کوشش برای جلب و جذب دیگر نیروها و لیبرال، متزلزل، و خنثی، حتی از میان روحا نیست بدون توجه عملی به اصل "تکلیفی بودن" که یکی از حربه های طرف مقابل است.

بنی مدرن "لیبرالها" با توجه به چنین تاکتیکها ئی با حریف و در عین حال با انقلاب مقابله میکنند و تا کنون در مقابله با جناح حریف از موفقیت نسبی بر خورده اند. روز بروز گام های بیشتری در جهت پیشروی خود و عقب راندن جناح مقابل برداشته اند. این علیرغم حمله های دفعتی و پیروزی های موقتی حریف میباشد.

اما بسبب عدم مقابل جناح "لیبرالها"، جناح دیگر برهبری حزب جمهوری اسلامی به جهتا کتیکها ئی برای کسب قدرت بیشتر دست میزنند و از حربه ها ئی در مقابله با حریف سهم در قدرت برخوردار است:

۱ - قدرتش حاکم بطور کلی هدف خود را بازسازی نظام سرمایه داری وابسته میداند. این امریست که در عمل از طرف جناحهای مختلف درون قدرت حاکم نشان داده شده، منتهی هر یک بسبب خود خواهان این بازسازی است. همین اختلاف روی در رسیدن به هدف که مبارزه طبقاتی موجود در جامعه و بحران روبه رشد اقتصادی و اجتماعی آنرا تشدید میکند باعث شده است که بویژه در جناح بارز و قدرتمند رژیم اختلافاتشان بالا بگیرد.

۲ - در این میان هر یک دیگری را مقصر خطاب میکنند و از حربه های خاص خود برای از میدان بدر کردن حریف یاری میجوید. یکی دیگری را "قدرت طلب"، "فرصت طلب"، "چماق دار" و... میخواند و دیگری القابی چون "پاندول"، "غرب گرا"، "تغیر مکنشی" و... نثار حریف میکند، بطوریکه فعلا ن آیت الله خمینی هم بسدات از این "مبارزه خودیها" بلند شده و آنها را از "مبارزه" با یکدیگر بر حذر میدارد و "سازش" را توصیه میکند.

۱ - حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش در مقابل بلدیا انقلابیون و پیروهای آکا دخلق معتقد به سرکوب و جفا ن هستند و به "نان سیرنی" اعتقاد دارند از اگر چه در این اواخر ظاهرا رکدها ئی از جنب سیاسی، ساسات "نان سیرنی"، در درون ما مد حزب دیده شده است. مثلا در مقابل درون ما مد حزب جمهوری اسلامی ساریسک ۲۵ خرداد. ولی این نسبی اتحاد جنب سیاسی از جانب حزب نیست و طرر سرکوب حزب اچاره انا دسیاسی که "نان سیرنی" را هم در کنار "چماق" نگار یکدیگر ساریسان و بیلگدا ممکن مسازد).

۲ - حربه مذهب - حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش با توجه کاسکاراننده ا ساسات مذهبی مردم و سائیکه بر سبکلات سنی این در میان بوده ها (از طریش میا جد و...) طرف مقابل را به "غیر مکنشی" بودن منبم میکنند و در این راستا با اسفاده از آئین الله خمینی اکتیداب جناح لیبرالتر دیگر است با بد صاج مسائل احرف مرتبه مرتبه، در این مورد نموندرنا داس ولی نا حواسدکان را سکی از نارد - سرس در ورو ما مد حزب جمهوری اسلامی مورخ ۲۲ خرداد رجوع به دهیم، به مقاله "ناسی حدکاسی آتسای برشس میوورا بصعب کرد و میکسد" - آکا که بعد از زبانی از همکاران اصلی سنی مدرن را با دکر نام سده اصطلاح کفوسیت ویا "غیر مکنشی" میخواند، از جمله احمد سلامسان (رئیس کفوران بین الطلی بررسی مذاحلات آئیرسکارا ایران) "احمدبا حک (انما بسبب دسرهما هنگی با ریشس میوور درما لردیلو سبب سبب راجع بد اسبابات) سیدحسین سواب عقی، که در مقاله "ما و حزب ما" مندرج در روزنا مد انقلاب اسلامی ساریسک ۲۵ خرداد، حزب را وسنا اسفا کرده است، (البته با توجه به "صواب" لیبرالی)، محمد لاریجانی، علیرضا نویری، محمد سرف... را (که البته نرسرا هم تکفنه اند).

۳ - اسفاده از بد صلااح خطب فدا میرالیمسی خود در مقابله با حریف (ما بعد از همین مقاله سدر ار بقید در صفحه ۸

۴ - سعی و کوشش در جهت تضعیف جنبه انقلاب و کساندن نیروهای متزلزل درون جنبه انقلاب بسوی خویش، تا کینک کدر صورت موفقیت هما بقدر که جنبه انقلاب را تضعیف میکند و بسا ن فرسده مرتبه، جنبه ضد انقلاب و پیورده جناح لیبرالها را تقویت مسازد.

۵ - اتسای جناح مقابل درجه "معتقول" نسبی تا جا نیکه به مصالح کل قدرت حاکم در سببای وارد مسازد. در این خصوص مسوان را آغا ز سخرانی سنی - مدرن برای "جامعه روحا سبب مبارز" مثال آورد، سنی مدرن خسرا جنبش شروع میکند:

نگر بگردم سرور سنا ت را دور و دور طور سبب سبب نخواهد بود و با ساد با رخصت بگردیم (اویا سبب سبب کدها ردتورا میجوید میسود که خود را "لو" داده است، سببس لحاظ با لافا طه "حظا" تی خود را بد صلااح بصح و ادا میدبدهد برای مردم عمدا ل با رخصت سبب با در محور برده اند عمده سبب را سبب (با کیداب و بران سبب) ار ساسا

سبی مدرن سواست کارهای حریف را با زکو کند و دلش را با رسیا بدو صحن کوسدن حریف احتمالا کروی از روحا سبب را بخود جلب کند و با لافا تل جنبی مسازد، ولی وجود را دیو سبب سبب سبب که عمده نا در دست حریف است او احساس ارائه "در ددل" آتسای سنی مدرن مردم او را زائن کار با زمی دارد.

۶ - پیروزی کامیگام برای کسب قدرت بسبب و عقب راندن قدم سبب حریف بر قدرت و کلدیلوک، وسرا نجام با سبب (بزع خود) "مرا کرسد در قدرت" (که در سبب حریف است). در این مورد مسوان بدیشرو سبب سبب لیبرالها و سنی مدرن بطور حلاصه سار دکرده، از آن جمله است: کسب مقام فرما سدهی کل فوا، اسباب فرماده سبب سبب سبب و جنگ اندا خسیران، اسباب سرسبب را دیو سبب سبب، کوس برای تقویت نهادی دولتی و تضعیف نهادی چون جهتا سبب سبب، کمبده ها و بسنا دها که بیشتر در دست حریف است.

۷ -





# خلقها ومسئله ملی



## کردستان، سرزمین حماسه، قلب پرطپش انقلاب!

خاطره يك رفیق از گروه امداد پزشکی هوادار سازمان از مقاومت و رزمندگی خلق کرد در سنج

آنچه که میخواهند کراس کوبه ای است که اگر کردستان قهرمان بدستمان رسیده است. آنکه کد را بنظرین خواهد گذشت کوبه ای و فقط کوبه ایست از جانبها و تساوت های رژیم جمهوری اسلامی که از چندین نقطه فقط چند نقطه از شهر سنج روی داده است. بدینجه است پس از آزاد شدن مجدد شهر توسط پیغمبر که های میهمان عمیق فحاش و جنایات رژیم پر ملا شده و مردم مساز ایران به واقعت آنچه که در کردستان روی داده آگاهی باز هم بیستری خواهد یافت .

لازم بیاد آوری است که این کراس توسط یکی از رفقای گروه امداد پزشکی هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طیفه کارگرفته شده است. با آرزوی موفقیت برای چنین رفقای از کلبه رفقای هوادار خواهیم که گزارشات خود را از مسائل مختلف بطور مستمر برای ما ارسال دارند .

### روز سوم

روز ۳/۲/۵۹ که در روز است که بدست سنج آمده ایم به طرف تپه معروف "کروی کول" میرویم. این تپه منطقه ایست فقیرترین و بدون آب. اهالی آب مورد نیاز خود را از تپه های نیل می آورند. قسمت نوحانی نیل به طرف بیادگان است. امروز از این منطقه را بند با خمپاره کالبر ۵۵ و ۷۵ و سایر سلاحها می کوبند. تپه های تمام خانه ها شکستند و هر خانه جمعیت زیادی را در خود جای داده. دیدن محنه آوارگی مردم بدفاع واقعا دردناک است. ولی روحیه مقاومت آنها انسان را بدو جذب آورد. زنی حدود ۴ ساله که زهری بیغم کرد است. او بدین دروغ و با دو قور زسد دیگرش بطرف ما کش می رود. از دور و نزدیک ما حیم آسوده ایم. سلاخی می کنیم کرمی جواب می دهد. میگویم: "زیده خان شما هم محبور شده بدخانستان را زحاکند؟" با صدای بلند و با خنده میگوید: "خاکند که از زنی بداد کراس ما سخا خود و فرزندانم را برای خود مختاری کردستان می دهد".

آنطرف تر زن دیگری که بانارا حتی هر چه نما منبر برای نجات دو کودک خود از زیر باران خمپاره ها سلاخی می کند دیده میشود.

### ☆☆☆

ساعت چهار است با وسایل کمکهای اولیه جلوی دربندگه ایستاده ایم تا ده بیانه هر کجا که لازم میسر ویم. بد پروا و هلیکوپرها تا که میکنم. چون در ارتفاع ایستاده ایم ما فقط شهر را می توانیم ببینیم. هر لحظه جایی و منطقه ای مورد اصابت راکت و خمپاره قرار میگیرد

## زنده باد خلق کرد!

کردستان قهرمان همچنان می رزمند. بیلدگوهای سلیبانی حکومت سلاخی می کنند و بنظر او نمودار زند که کردستان بدست ارنس و با سدا ران فتح شده است. اما این دزوغی بیش نیست. چرا که تسخیر پرها، تسخیر تلب خلق کرد نیست و خلق کرد، تحت هر شرایطی، مقاومت و جنگا رد لیرا نه خود را به ننگال مختلف آدامدخواهد داد. ما توصیه های ارمقاومت خلق کرد در برابر بیوری رژیم را نقل می کنیم

☆ دیواندره ۱۴/۳/۵۹ دستگیری مردم بیدفاع  
سوج دستگیری ها در شهرهای مختلف ادامه دارد. در این روز ارنس و با سدا ران کد فدا مده دستگیری مردم کرده بودند. طی یک درگیری دو نفر از بیمرگان رزمنده دموکرات را به پناهت رساندند. بهنگا مبارز - کست بیروهای ضد خلقی، بیمرگان کوبه نه طی یک حمله نجا عا بنده ۱۵ نفر از آنها را به پناهت رساندند و خود و درو را نجا بود کردند .

☆ سنج ۱۵/۳/۵۹ حمله به پاسداران  
امروز در درگیری بین بیمرگان "حرکتیهای فدائی خلق" و پاسداران یکن از پاسداران کشته و کلبه - میجا با پاسداران بدست بیمرگان قهرمان افتاد .

☆ شاهیندز ۱۶/۳/۵۹ روستاها در میان آتش و گلوله  
سبب امروز عددهای از بیمرگان جاساز نمود کرات به مقرسا پاسداران. زاندا رمری حمله کردند. همچنین در این روز روستای "کس کوری" مورد حمله و حیا بد پاسداران قرار گرفته و خانه های آن توسط پاسداران به آتش کشیده و روستا های "ساروجده قلی" "کوتک کندی" و "آج ننه" زیر بار کلوله قرار گرفتند .

☆ بانه ۱۸/۳/۵۹ تفتیش و کشتار مردم بیدفاع  
شهرانه خالی است که است و پاسداران خدایان مسئول تفتیش خانه های مردم سجده هستند. امروز در یکی از این خانه گردیدیم یکی از اهالی بانه به اسم "حاج کاک نرج" تلب دیرا زکردن در خانه توسط پاسداران بد رنگا رسیده و حاجا سجدند .

کروگان گیری بود معمولی مدخلی در کردستان گردیده است. در همین روز ما من مردور مستر در بانه بانگی و سوب به روستای "کریم آباد" واقع در جاده بانه - میوان حمله کرد و چها رنفر از روستائیان بد دفاع مسئول کارا دستگیر کردند .

☆ میوان ۱۸/۳/۵۹ بیمرگان قهرمان می رزمند  
امروز ارنس و با سدا ران بمقد حمله بد سکر "سح حسن" از بیادگان بیرون آمدند. اما در این حمله سبب نپرها تا بد بیمرگان کوبه مده مجبور به عقب نشینی شدند. بیمرگان قهرمان در این حمله، خساراتی نیز به بیادگان وارد ساختند .



این همه قساوت واقعت دارد؟! ۷-۶ نفر از اهالی زحمتکش در حالیکه از قسمتهای مختلف بد نشان خون جاری است در کوشه و کتار افتاده اند پیرفردی که سرش مورد اصابت قرار گرفته و دست سر کاهلاکنده شده در همان حالت نشسته کشته شده است. پیرزنی زن جوان مجروحی را طوری در بغل گرفته و میبیند که ما نمیتوانیم محصل زخمهایش را پیدا کنیم .

هوا می رود. ارحانه ای جای می آورد: "خورسند - سیرسی هلیکوپر است ...!!"

### روز چهارم

۵۹/۲/۲  
حدود ساعت ۶ بعد از ظهر، ارسنگه بالا بد رنگررس خادهای آمده ایم. علاوه بر سراسر ادا ری، خدای ایجاری در نزدیک بگوس می رسد. بیادگان ارسام صلاحیهای سیکس استاده میگردند طلی را که حرج عا دلانند "خود مختاری" در چها روجوب انرا می سنخل و دموکراسی می خواهد. سرکوب کند. حیرمی آورند که در کوشه بانینی حسا ردا ساد است. با سرعت خود را به محصل خاد مده می رسانیم. کوجدهای باریکه کوجدهای خون در آن روانند. محنه ای را که می بینم، سبی سوا هم باور کم! آیا این محنه اب واقعت دارد؟! ۷-۶ نفر از اهالی زحمتکش در حالیکه از قسمتهای مختلف بدستان خون جاری است در کوشه و کتار افتاده اند سیرمردی که سرش مورد اصابت، چرا رکنده است و سب سس کاهلاکنده در همان حالت نشسته، کسندده است. سیرزنی، زن جوان مجروحی را طوری در بغل کوبه و سون می کند که ما سبی سوا هم محل زخمهایش را پیدا کنیم. گروه امداد دیگری مثل ارماده محصل رسیده است. دست و پای خود را کم کرده ام. همسایگی می کردم اگر حرجی دیدم که حوسری دارد. هو را بانده بنید در صفحه ۶

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

نقشه ارضحه ۵ کردستان...

بیجی میکم وسعدکا رهای دیگرش را انجا میدهم ولی حالا جراحی را می بینم که بزرگتر از حد تصور من هستند! دوبای قطع شده بیرونی در کنارش افشاده با این زخم‌ها کاری میتوانم انجا بدهم؟

قسمت بالای بدنش را می بدم. در همان حال فکر میکنم که دیدن این صحنه‌ها آنجان بزرگبته از دشمنان خلق دردلمی کار ده جزبانا بودی تمام آنها از بسن خواهد رفت.

مردم میگویند که در حیاط هم‌زی مجروح افشاده است. بسزعت بظرف حیاط می روبم. خمپاره تمام بدن زن جوان را مجروح کرده ولی خوشبختانه زخمها سطحی است. مجروح به بستن یک یک زخمهایش می کشم. فریاد مینکد، ناله میکند. آمبول میکنی به او تزریق میکنم سوزش میگوید که با دستقام اینها را گرفت. کسی با وزمی کند که زن و بچه‌ها را با اینطور قتل عام می کنند؟ و مرد دیگری با خشم تمام فریاد میزند: اسقام می گیرم، حتما، حتما!

در حین مداوای مجروحین، به اهالی میگوینم که با بدمحل را تخلیه کنید. ما سینی از قسمت پایین کوجه برای بردن مجروحین می رسد. سینی دانیم گذاشتیم را سوار کنیم. ما سینی مجروحین را می برد و ما در زیر کپا رکلوله‌ها سرعت از کوجه‌ها گذشتند و به سکه‌بری کردیم.

روز پنجم

۵۹/۲/۵. ساعت ۳ بعد از ظهر: بالای سید کریمی کرول کشیم. با سحرکاری که در سحر هستند، صاحب می کشیم. آنها اکثرا را سحرکاری بر کومدله هستند. اینکه مردم منظره را سرگ کرده اند، را می بود دو می - گویند که با نظوری مردم کمراست می بسند و ما راحت بر مفا و مت میکیم و می جنگیم. حدود ۲۰ دقیقه سگدر دهگه نشن آمده ایم خیر می آورند که بالای سید یک بیمر که خمپاره در جوده است. بر مفا با یک لدر و روجود را سید بالا می رسانیم. خمپاره را یک سب

و سینی از کف دستن را از بسن برده است. در حال اتمام است. جلی جوان است. سال ۱۹۹۰ سال بیست و نه است. چهره یک زخمکن و مفا رواتعی خلق کرد را دارد. در آن سوزش را در کتن بدت بر بنده است. سوزش ما سنی احساس میکنم که یکی از پنجه‌سین با سنا در مقابل حتما هم در حال جان با حین است و سنی کار از دستم بر می آید. دلم سخا و هدسجای او من مجروح بودم. آخر او یک بیمر که فیرمان است. او فرزند خلق دلاور کرد است. او رزمنده است که جان سنی را و بیعد آردای خلق کرد از دستم ملی و طبعا سنی فرار داده است. قسمت عقب ما سنی جانک است. با ما سنی را بالا بکنند سیدام ما بلکه خون کمی که در بسن دارم بر بسن هم برسد. یعنی کلیم و گرفته است. سینی احساس برده است که میگویم: "سند برو خواهش میکنم سید - بر برو!" او غلبه احساسات بر خودم جعلت میکنم. با خود میگویم باید سجا بود باید راه سرخ این بیمر که فیرمان را داده اند. باز محت زیاد و در زیر کپا رکلوله‌های صد خلق خود را بد سنا رسان سیدها بر سنا تم. در حالیکه معلوم نیست خود با کی برده می ما سیم. مجروح را به سنا رسان تحویل داد و بر می گردیم. در حالیکه

سفر بنی صدر به بلوچستان

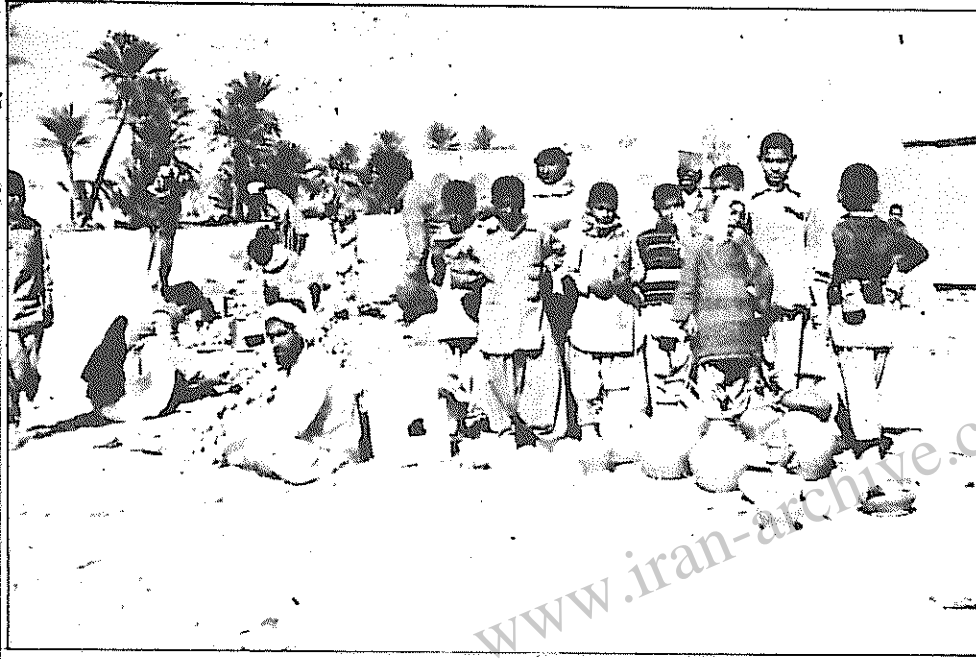
روز سه شنبه ۵۹/۳/۲۶، بنی صدر به منظور دیدن آرزو با یگان نظامی "کنارک" به جابها رفت.

طبق برنامها علامت شده از طرف مقامات محلی فرار بودوی عصر روز سه شنبه در زاهدان بخترانی کشد. روز قبل از آن، راه دیوونلو بیرون زاهدان مرتباً مردم را به تجمع در محل استاد بیوم ورزشی شهرد عوب میگردانسانخان بنی صدر را کوش دهد. ولی، عصر روز سه شنبه خیر رسیده که بیغلی بنی صدر در زاهدان توقف نگرده و مستقیماً به جابها رفته است.

بنی صدر بس از نطق کوتا هی در جابها روا ستماع سخنان و خواسته‌های شعا بنده خانها و قا چا فچیسان بزرگ منطقه، که خواهان قدرت بیشتری برای "بهرامی" استاندارستان و بلوچستان بود اظهار داشت که اکنون فرصتی برای گفتگو با مردم ندا رد و آنرا بوقت دیگری موکول میکنم.

وی بلافاصله بعد از توقف کوتا خود در جابها را به یگان نظامی "کنارک" که در دست سنا ختمان است رفته و پس از انجام مذاکرات با مسئولین مربوطه به تهران باز میگردد.

(بمنقل از بنبر دیلوج شماره ۲۶)



امید کمی به زنده ماندنش می رود. آرزوی کم کند اس رزمنده فیرمان خلق زنده ماندن. اما بعد از چند روز خبر سها ت بر حین بی اندازه میرا اندوختن مسارد. با دهم سجدای خلق جا و دان باد!

در روزهای دیگر چه دیدیم؟

۵۹/۲/۱۲: امروز برای آوردن مقداری دارو و جابها سنا سنی یا سیران بد سنا زمان سنا در تاز آتاد سنج آمده ام. هلیکوپترها بر فراز شهر پرواز میکنند صدای سیراندازی و انفجار خمپاره‌ها و نارنجکهای ارسن اسلامی قطع سنی بود. ساکیان سرودهای رفقای که در حیاط دفتر هستند بلند میبند. بظرف حیاط بندوم و هلیکوپتری را می بینم که بورداه است کللوله بیمر - کان قرار گرفته و در حال سقوط است و جبهه غرور آفرین! همه فریاد سنی می کشند و بی محابا بظرف بالا می - دوند. پیروزی را اهالی محل که در کارهای آسیری در دفتر بر رفقا کمک می کنند همراه ما می دود و ساکیان شروع به خواندن سرود کردی شدی رفیق میکنند. فریاد "کس بدله کورد مرده کورد برنده" قفا را بر کرده است.

همدما سرودی خوانم و بر وی همدیگری خدمت آری خلق کرده میسر ننده است.

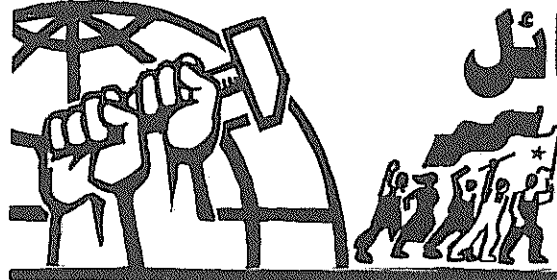
۵۹/۲/۱۸:

امروز ما در سکه ۱۷ شهر بیور هسیم. هر کس مسئول کاری است. من و چند نفر از رفقای گروه ما مداد مسئول منظم کردن داروها و فقه بندی آنها هستیم. تا که سنان خبر می رسد که به سفر خمپاره آتش را اصابت کرده و حال سنان وخیم است. بلافاصله خود را به محل حادثه می - رسانیم. دو نفر را توسط آمبولانس از محل حادثه بیرون می برند. دیگری را که جوان ۲۳ ساله ای است به درمانگاه هینکه انتقال می دهند. روحیه نیرومند او انسان را به تحسین و امی دارد. با اینکه بدنش سوخته و لبها سها بش سوراخ سوراخ شده، در مقابل تلای سنا برای خواباندن او روی تخت، مرتباً می گوید: "من خالم خوب است چرا همه شما دستها جسته‌اید." بعد از یکساعت او را هم با آمبولانسی به بیمارستان انتقال می دهند. کرد سنان مطولاً از جنین دلورانی است. و با جنین دلورانی، همواره چون کوهی استوار مفا و سست جوا هذ کرد

\*\*\*

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

# اخبار و مسائل جهانی



## رژیم جمهوری اسلامی از چه کسانی در افغانستان حمایت میکند؟

### سیا از مرتجعین مذهبی در افغانستان حمایت می‌کند

ما در گذشته، در مورد نیروهای درگیر با رژیم مردور ارتجاعی افغانستان و ارتش اسلام‌گسر روسی معالشی در سارهای بی‌کار آورده و موضع خود را در قبال نیروهای موجود در افغانستان نشان داده‌ایم. آنچه که در مورد واقع‌ها و اخلی افغانستان برای مسالما خا ترا اهمیت است مبارزه برحق بوده‌های زحمتکشی افغانستان بهما زمانهای انقلابی آنها بر علیه رژیم سرسپرده بهرک کارمل است و در این روند افشای ما هیت و عملگر دنیروهای مرتجعی نیز که با انگیزه های خاص خود با دولت افغانستان درگیر هستند و جدا سخن صف آنها از صف انقلابی بوده‌ها و انقلابیون افغانی ضروری است. نیروهای مرتجعی که هر یک یک بنوعی سرد آخورا میربا لیسیم آمریکا دارند و اتفاقاً از حمایت گسترده رژیم جمهوری اسلامی نیز برخوردار هستند. ما هدای مدعای ما چیزی است که در زیر نقتل می‌کنیم. در کیهان نه ستمبه ۲۰ خرداد ۵۹ آمده است: "روزنامه فیلادلفیا اعتراف کرد که سا زمان "سیا" سلاحهای مختلف را در اختیار مبارزان افغانی می‌گذارد". (با مداد اول آبان ۵۸)

قبلا نیز همین به اصطلاح "مجا هدیین افغانی" از محمدظا هرها هیا دشا هسا بق افغانستان دعوت کرده بودند که به "مناطق آزاد شده" بگردند! (با مداد اول آبان ۵۸) در ساریتی که خواسته‌های برحق خلقها و نوده‌های

## سوسیال امپریالیسم اسلحه می‌فروشد

سوسال امپریالیسم‌نوروی در راه ارتگری های امپریالیستی و سرکوب خلقها احرا منالغ هنگفتی اسلحه به کشورهای ارتجاعی فروخته است. در طی یکماه اخیر سوروی طی یک قرارداد نظامی با دولت ارتجاعی هند مبلغ ۱ میلیار دووه ۶ میلیون دلار اسلحه به این کشور فروخته است و علاوه در هفته گذشته نیز سوروی ۳ میلیار دلار اسلحه به رژیم ارتجاعی سوریه فروخته است. حتما روبرو سوسیال بازم فروش سلیحات شوروی به رژیم‌های مدخلقی را "کمک‌های برادرانه و انتر - ناسیونالیستی" خواهد خواند. حال آنکه حقیقت چیز دیگری است. سوسیال امپریالیسم‌نوروی اسلحه می - فروشد زیرا فروش اسلحه یکی از منافع در آمد بسیار مهم‌نوروی می‌باشد. همان اقدامی که در دستور کار همه امپریالیستها می‌باشد. فروش اسلحه به رژیم‌های ندمردمی بیکار و دیگر ما هیت سوسال امپریالیسم سوروی را سان داده و بیکار و دیگر به خلقها می‌آموزد که شوروی نه دوست خلقهای جهان، بلکه یکی از دشمنان خلقهای جهان بشمار می‌رود.

## سرمایه‌دار

تشنه خونمان  
ویرانگر زندگی مان  
در هر وقت و بی وقت  
و سالهای سال  
که می‌کنیم رنج  
که می‌کنیم کسار  
کیست؟  
زالوئی به بزرگی ازدها  
غنوده در لجن زار مالکیت خصوصی  
لمیده با اطمینان

## بحران کشورهای سرمایه داری اوج می‌گیرد

اقتصادی سختی بمرمی برد، سختی که نرخ بیکاری در این کشور ۷/۸٪ می‌باشد حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۳٪ بوده است. در آمریکا تورم و گرانی بیش از پیش افزایش می‌یابد. بعنوان نمونه قیمت عمده فروشی در این کشور در سال جدید ۱۲/۴٪ بالا رفته است. عمق بحران اقتصادی در کشورهای استکم با بیدگفت رکود اقتصادی موجود مهمترین رکود پس از بحران دهه ۱۹۳۰ می‌باشد.

بدین ترتیب پرواض است که امپریالیستها برای سرشکن کردن با راین بحران به دوش خلقهای تحت ستمها زهم به ارتگری و تاجا وزات امپریالیستی خود توسعه خواهند داد. ولی خلقها نیز نبرد های سهمگین طبقاتی را با زهم توسعه داده و در راه ما بودی ارتجاع، سرمایه داری و امپریالیسم بیکارانه به پیش خواهند رفت.

بحران اقتصادی در کشورهای سرمایه داری اوج می‌گیرد، سختی که رشد تولید ناخالص ۲۴ کشور سا زمان همکاری اقتصادی و توسعه "در سال ۱۹۸۰ فقط ۱ درصد افزایش خواهد داشت و در سال آینده این میزان رشد نیز متزل کرده و رکود اقتصادی کامل خواهد شد. بنا به مطرح ساخت که در حال حاضر در اقتصاد کشورهای امپریالیستی غرب تورم به میزان ۱۲٪ میرسد که با توجه به تقلیل تولید، توسعه بیکاری و کم شدن قدرت خرید نوده‌های زحمتکش این میزان با زهم افزایش خواهد یافت. در این کشورها در سال گذشته ۱۶ میلیون بیکار وجود داشته است که در ۱۹۸۸ این رقم به ۲۴ میلیون بیکار خواهد رسید. روشن است که این امر جز فقر و فلاکت طبقه کارگرو سایر نوده‌های زحمتکش معنسی دیکری ندارد.

در این میان امپریالیسم آمریکا نیز در بحران

## کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

# رادیوهای وابسته به امپریالیسم و جنبش خلق

رژیم جمهوری اسلامی، با تکیه بر طرفداران لیبرال و ضد انقلابی خود در درون کشور، مذبحا به میکوشد تا از طریق "مخالفت" با رژیم، طرفداران بخشنه را، این سرسپرده امپریالیسم را متکثر سازد. این رادیو-ارتجاعی با افعای شخصیت‌های مینفور رژیم جمهوری اسلامی نظیر قطب راد ه سعی میکند برای خود وجهه کسب نماید.

نما را دیوهای وابسته سخت می‌گوشند که مبارزات ربه‌ای غلای نوده‌های زحمتکین میهن ما را در جهت با من صافع خودورسیدن نهاد اهداف نوم خود واریانان امپریالیسمی با ن منحرف سازند. در شرایطی که سائورسکیس بر مظلوعان حکمفرماست و سرروهای انقلابی بوزیه کمونیستی توسط رژیم در معرض سقیب و سرکوب قرار گرفته‌اند، این صدا های مردوروا رجا عی با اسفا ده از امکانات میهن شده از طرف امپریالیست‌ها تحت لوای "مخالفت" با رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلقهای میهن ما نوظنه می-کشد و با اصطلاح "دمیت" با دشمنان مردم برای یافتن جای یابی برای خود واریانان تلافی می‌کند.

بریدی نیست که آزادی خلقهای میهن ما در مبارزه با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به وسیله این مزدوران امپریالیسم که بیخا طرف مافع ضد خلقی خود به مخالفت با رژیم کم‌برخاسه تبدیلگه از طریق مبارزه انقلابی نوده‌ها و خلقهای فهومان برهسری طیفه، کارگر رزمیده ایران کسب خواهد شد. خلقهای ما چهره خربه این دشمنان دیرین خود را خوب می‌شناسند. خلقهای فهومان ما می‌دانند، صدا های شومی که از "عاطی شهرا نی" "مدوم" "وزیر اطلاعات تریف" اما می‌وهکما رگا شینه را هاری جلا ده "شهید جا وید" می‌سازند، هرگز نمی‌شوا نند دوست مردم با سند، اینان جلا دهان و مزدورانی هستند که بیخا طرف از دست دادن مافع گذشته خود با رژیم تعلق از درد سمنی ذر آمده‌اند و دشمنی این مزدوران با رژیم سبب جو حما هیت مترقی و مردم سنی ندارد. نوده‌های انقلابی میهن ما با مبارزات بیگنر خود قرباندهای این خاشین رادر کلونینان خفسه خوا همد نمود.

مدعی است که سر تعداد رادیوهای امپریالیسمی - ارتجاعی که زبان فارسی برنا می‌بخش میکنند افزوده شده است. علاوه بر رادیو "سی سی سی" "اسرا" "ایا" و "صدای آمریکا" که برای مردم میهن ما ساخته شده هستند، هوبه امپریالیسمی و صهیونیستی دیگر رادیو - ها، بنا کرده‌اند که کردها سدا کان آپنا دیسال میکنند. اس ارگاسهای ارتجاعی با افزاین بارها - نی بوده‌ها و با استفاده از جو سرکوب و فشار موجود و محدودیت امکانات سلسله بیروهای مترقی و انقلابی سعی میکنند از آب گل آلوده ما می‌گوشند و برای خود "تا نکا می" درمان مردم کسب کنند.

"رادیو عراق" تا فصل ارمقای قرارداد تلخ بین ما و دولت عراقی برنا مفعاریس حق میگردانند که سون سریدن سال سره شدن روابط سیاسی دو دولت کار خود را شروع کرده است و با جعل نامه‌های گوناگون به اسامی ساحکی و سوا اسفا ده ارتجاعی امپریالیست ایران، حق محدود کردن مفع انقلاب و صدا انقلاب و اسفا ده را حویا رما نی عمومی موجود در جامعه برای مفاعد سوم و ارتجاعی خود تبلیغ میکند.

رادیو دیگری نام "صدای ایران آزاد" دمیتا بر روی طول موج ویرکانس صدای آمریکا (ای بی سی) - سوده میسوان آراسخنکوی "تظنیت طلبان" قرار می‌گیرد. اس با صدای رادیو ارتجاعی، صدای مزدوران و جلا دهانی است که از برسی شهرا تعلقانی سوده‌ها مزار کرده و در کشورهای امپریالیسمی عربی به نوظنه تبلیغ و خلقهای ایران مسئولند. این خاشین بخلق که در کدسند میسوان کردستان سوگ فاجومیهای ارتجاعی ما در سرکوب "تحریک طلبان" و "وطن فهومان" تبلیغ داد می‌گردد، امروز کلوی خود را یارده می‌کنند که خلقی کرد سوسط با یاران (السنه ارتجاعی) رسی بیخا طسیر اسراک مافع با فرما سدها ن مزدور ارتجاعی آن حرف نظرمی (سود)، کسار می‌سوند، موزورانه سسرای سمرکده‌های فهومان ایک سماج ربحه و دم از "خود-مخاری" خلق کرد می‌رسند !!

رادیو دیگری که سوسط دار و سدها رجا شین اداره میسود "رادیو ایران" نام دارد، اس رادیو شین با سوا اسفا ده ارتجاعی روز افزون سوده‌ها از

# مبارزه دهقانان علیه توطئه‌های مالک ده و کمیته‌های به اصطلاح "انقلاب"

ده "نظر آباد کوچک" در ۹ کیلومتری جنوب حاده کرج، قروس برادر دارد. دهقانان اس ده از سابقه مبارزاتی حدس ساله بر خوردار سند. بار اول در سال ۱۳۲۲، سبکام ستم ارتجاعی اس دهقانان، سوسط مالک دهه نام "شهسری" از دهه سرون رانده سمد. آپنا با حصی ۷۰ روره خود در محل حدساری سسکرده رجا سسپای عادلانه، خود با ی سردمد انانطلی ار حمله مائل انصاف دی حصن آپنا سسکابا حاصه. بار دیگر در سال ۱۳۵۲ با اسحاب سسکر ماساده حواسهای برحق خود را منعی بر راسی دادن رسیسپایان، ارتطرسین ککانات و غیره دیسال کردید اما، دهقانان مبارز نارحم سوا سسند سسرزمینهای خود نار کردید.

سعدار سسسام سسیمی ساد ۵۷ شهسری مالک دهه، ارتطرسیم دهقانان قرار کرد و دهقانان سسرور سسپای خود شروع نکا ووری سمودند. اما مالک سسکر دهه بعد از قرار سارها با حدسی کمسه جا و با سداران دهقانان را خورد آزار و اذیت برادر داده و حصی آنان را سسکر کرده است. حنا که نکار به همراه ۱۰ نفر با سداران طرف کمسه سرگری و سسور شهسری کسب، تصد سسگری دهقانان را با سدا با دهقانان با مبارزه خود، اس سوظنه مالک و کمسه سرگری را سسکابا کسب مواحه با حاصه. بار دوم کمسه سرورسین عده‌ای از دهقانان مبارز اسسکر کرده سسده نفعار آنها را سده زندان سدمی ساواک اسسفال داد. اما اس با حواسحصن جا سواده‌های دهقانان ده محل فرمانداری کرج و آزادی دهقانان مبارز با نان با صب، آجریس بار سسر ۴ نفر از دهقانان در "نظر آباد کوچک" سسور دادسان کرج سوسط با سداران و با حدسی مالک دهه سسکر و سسقیبه زندانی سسده که باز با حصن جا سواده سسپای ردا سسان در محل حصن وریری، آزاد کردید. ار آن پس با حالا سوظنه‌های مالک با حدسی وردو سد با کمسه سرگری، غلده دهقانان مبارز "نظر آباد" ککاکان ادا مده دار و دهقانان سسر برای خصی کردن سوظنه‌های آنان همحان مبارز سسکند سسپای آنان سسرح رسر است:

- ۱ - واگذاری تمام زمینهای ررایی و آبکاسی بطریق سسطی به دهقانان
- ۲ - سسگری و محاکمه شهسری مالک سسکرده
- ۳ - عدم دخالت دادسان کرج، ساد با سداران و دیگر مفاعا در امور کنا ووری

کارکاسست، هم‌جایی و هم‌ان سسریمی، هر دو راباید بکار گرفت.

ما در اینجا مقدمه‌ها به جنگ قدرت در بالا و سنبوه - های منخده از جانب هر یک از دو جریف قدرتمند جا کم بر دا حسیم. در سماره بعدا اخترا را به جند مورد منحص و در عین حال بر حسته این جنگ قدرت و بحران در "سال" نحوه سسکیم و سسین و اردیت ما هیت این بحران و رینه‌ها سس میسوم. و در با ن مقاله نقطه نظرات خود را بپرا مون و طابف سسرورهای کمونیستی در قبالان نفا ده‌های روز افزون درون رژیم را شه می‌دهیم.

ادا مه‌دارد...

## بصه ارتقد ۲ جنگ قدرت...

حطبت "فدا سیرالیسمی" اسان که حزب خاشین سسوده سسر مبلع است صاحب حوا هم کرد.

۴ - سسک به رهرو سسلدهای سرای کسب سسدرت سسرور سسپایان حرس و ولع سیری با نیدرس بدون ارتجاعی عوانب کاروبی سوجه سسندارهای مکزوز "سیرالیسم" که ما اس کارها "هم خود و هم ما را نا بودمی - کنند". که البته این مسئله و این طرف تفرقه نشود الی و ولایت قسیمی "سبت" "سیرالیسم" از رنج میبه‌دهد و از عقب-ماندگی فکری و عدم دور اندیشی حریف سسهم در قدرت سخت نا لانسند. و با شفعان سسرمی دهنده سسپا حماق



# ۴ ساعت کار در هفته برای کارگران







## درباره «بودجه» دولت بنی صدر (۲)

### ۲- منابع تأمین بودجه

در سرمایه‌های بلوکه‌شده (جمعان در بانکهای آمریکا - لیبی و غیره) است. کسری بودجه دولت در سال ۱۳۵۵ فقط ۲٪ بود و حدود ۱۰ درصد بود. در حالیکه در سال بعد یعنی ۱۳۵۶ این رقم با کاهش به ۱۶٪ رسید. در سال ۱۳۵۸ کسری بودجه دولت مونت ۴۳۷ میلیارد ریال یعنی ۱۹/۶ درصد بود.

دولت بنی صدر به درآمد حاصل از فروش نفت افسانه‌ساز کردیم (۸۰٪ بودجه از بول نفت با مین میسود) و کسری بودجه از آنجا که در آنجا بول حاصل از فروش نفت، تولید معادلی در داخل انجام نمی‌گیرد، به بحران موجود افزوده خواهد شد و سوخت مورد نیاز خود را همچنان طی خواهد کرد. اکنون به منابع دیگر ما مین بودجه نظری می‌افزاییم. بودجه بنی صدری دولت ۲۰٪ برای درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها (بودموسسات دولتی) در نظر گرفته شده است. بودموسسات دولتی عبارت است از آن ارزش‌هایی که دولت مستقیماً از استامپ‌پروری کاغذی و کارهای دیگرندست می‌آورد، مالیات عسپاری و بخشی از ارزش‌هایی حاصل از سروی کار کل طبقه کارگر و سایر بخش‌ها است که به یکباره مبرور آن منابع طبقه سرمایه‌دار، در دست دولت سرمایه‌داری قرار می‌گیرد. همان‌طور که مین بودجه دولت‌ها در ایران همواره روی مالیات غیر مستقیم مینگردد و در دوران قاجار سرمایه‌داران ایران همواره از پرداخت مالیات مستقیم معاف بوده‌اند. زیرا که راه درآمد مالیات غیر مستقیم برای دولت‌ها راه ساده و سهل الوصول است. کافی است دولت بانک توسط نامیهایی فلان کالای تولیدی و یا خدماتی خود را با کالا بپردازد میلیون‌ها تومان عایدش شود. گمان اینکه دولت حاضر نیز با کالا بپردازد بی‌نیازی از تولیدی و یا خدماتی و سایر... راه دولت تلف خود را بی‌مورد است. بی‌رحمان آنچه که در رابطه با این موضوع مدنظر است این است که حتی منابع غیرنقدی تأمین بودجه راه مالیات از سرمایه‌داران بلکه مالیات از زحمتکاران تشکیل می‌دهد و این امر نشانگر ما هیت بود دولت سرمایه‌داری می‌باشد. تا کجما برای این مسئله که دریافت مالیات عمدتاً غیر مستقیم انجام می‌گیرد، صرفاً روی شکل وصول بودن آن است و الا حتی در مقامی ممکن است دولت اقدام به گرفتن مالیات مستقیم از سرمایه‌داران هم بکند. در چنین حالتی بی‌رواض است که سرمایه‌داران نیز با افزودن به نرخ کالاهای خود، این مالیات را به دوش زحمتکاران که مصرف کنندگان کالاها هستند منتقل می‌کند.

### ۳- کسری بودجه

کسری بودجه چیست و چرا رژیم‌های ارجاعی در ایران علیرغم آنکه کشور ما یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است همواره کسری بودجه دارند؟ کسری بودجه نشانگر این است که مصارف و خرجی که دولت انجام می‌دهد، بیشتر از مقدار است که دولت از منابع مختلف بدست می‌آورد. این امر نشان می‌دهد که هزینه‌های دولتی همواره روبه افزایش است در حالی که منابع درآمدی برای تأمین این هزینه‌ها وجود ندارد. در زمان رژیم شاه، در حالیکه ایران میلیاردها دلار حاصل از فروش نفت را در خارج از کشور در بانکها و موسسات امپریالیستی برای نجات آنها از ورطه تنگی انبار می‌کرد، خود برای تأمین کسری بودجه اش از همگان با تنگنا بهره‌های سنگین و مدیریت فتن می‌کرد. امروز این ذخایر عظیم (که بخشی از آن توسط امپریالیستهای

آمریکائی بلوکه‌شده) همچنان در بانکهای آمریکا - لیبی و غیره است. کسری بودجه دولت در سال ۱۳۵۵ فقط ۲٪ بود و حدود ۱۰ درصد بود. در حالیکه در سال بعد یعنی ۱۳۵۶ این رقم با کاهش به ۱۶٪ رسید. در سال ۱۳۵۸ کسری بودجه دولت مونت ۴۳۷ میلیارد ریال یعنی ۱۹/۶ درصد بود.

### ۵- ترکیب اقلام بودجه

حلول ۱ ترکیب اقلام بودجه دولت بنی صدر را بیان می‌دهد. بودجه دولت بنی صدر برای امورتا مینی ۲۱۳/۲۹٪ در نظر گرفته شده است. اما ما به کردن ۴/۹۴٪ کسری بودجه برای امورتا مینی و حفظ نظم و امنیت داخلی کشور در نظر

- در زمان رژیم شاه، در حالیکه ایران میلیاردها دلار حاصل از فروش نفت را در خارج از کشور در بانکها و موسسات امپریالیستی برای نجات آنها از ورطه تنگی انبار می‌کرد، خود برای تأمین کسری بودجه اش از همگان با تنگنا بهره‌های سنگین و مدیریت فتن می‌کرد.
- در ترکیب بودجه دولت بنی صدر کافی است در نظر بگیریم که در مقابل هزینه‌های مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش و حتی صنایع که آرام کوچکی را نشان می‌دهد، دولت فقط برای دستگاه‌های اجرایی محلی خود رقم ۱۸.۷۴٪ در نظر گرفته است. برای امور نظامی و امنیتی ۱۸.۲۳٪ در نظر گرفته شده است.
- دولت بنی صدر برای امور کشاورزی و عمران و روستائی تنها ۸.۶٪ درصد اختصاص داده است. در حالیکه برای امورتا مینی و امنیتی ۱۸.۲۳٪ درصد را در نظر گرفته است.

تدکیر شده است کدحی از آن ما سند سابق اربابکپسای امیرالیبسی و ام‌کریمنه. کسری بودجه فعلی دولت بنی صدر ۱۶٪ مسا کد کسری بسیار بزرگی است و در عین حال تسکیر داده همان روال سابق میباشد.

### ۴- رشد بوروکراسی

تلا کسری که در رابطه با امرای طبقت در سال ۵۳ حکومت جمع مالیات‌های بوروکراسی دولت روبه‌روئی گذاشت. املا در سال ۵۲ قبل از سالار رقیب صمدیقت. هزینه‌ها از اب دولتی ۳۶۰ میلیارد ریال بود. در سال ۵۳ بلافاصله این رقم به بیش از دو برابر یعنی ۷۴۰ میلیارد ریال رسید و در سال بعد نیز هم همین رقم دوباره برسد یعنی در سال ۵۴ رقم هزینه دولتی به ۱۶۵۰ میلیارد ریال و در سالهای ۵۵ تا ۵۷ رقم هزینه دولتی ۲۰۰۰ میلیارد ریال رسید. بودجه دولت بنی صدر است. بدون شک این رقم یک رقم واقعی نیست زیرا با دولتی کردن بخشی از موسسات وابسته (ایران ناسیونال، بانکها و...) و دستگاه‌های نو ظهور نظیر پست و تلگراف، چاه‌سازندگی و... به مراتب به هزینه‌های دولتی افزوده شده است (بویژه در زمینه پرداخت خسارت‌های بانکی دولتی بنده‌ها امیرالیبسی و افزایش جمعیت حقوق بگیران دولتی). هرچه تقاضای دولت سرمایه‌داری ایران افزایش بیشتری در اقتصاد پیدا می‌کند خطبات کلی و بویژه کسری سرمایه‌داری وابسته بیشتر شد می‌کند. وجود دستگاه‌های عریض و طویل بوروکراسی دولتی که در واقع عمدتاً شرکتی در امر تولیدند دارند، به معنای این است که بخش مهمی از ثروت جامعه به جیب بوروکرات‌های دولتی می‌رود. این امر هرچه بیشتر بحران اقتصادی را افزایش می‌دهد. موجودیت دولت سرمایه‌داری، خودیکی از عوامل تورم‌زای جامعه می‌باشد.

(۱) - منظور از هزینه ثابت، سرمایه‌گذاری در امر تولید است در حالیکه هزینه جاری مربوط به دستمزدها و حقوق و... میباشد.

رژیم در صدمه عظیمی از درآمد ملی را به ارباب و وراثت آن اختصاص می‌دهد. در حالیکه برای امور کشاورزی فقط ۲/۶۴٪ بودجه را اختصاص می‌دهد که ما اما به کردن ۲۲٪ مربوط به عمران و نو سازی روستاها "جیب" ۲/۸۶٪ میشود! بیش از ۵۰٪ جمعیت کشور که اکثریت زحمتکاران کشور را تشکیل می‌دهند فقط ۲/۸۶ درصد از "منایات" بودجه بنی صدر بهره‌مند میشوند! تازه همین هم‌غالباً بصورت "وام دادن" به کشاورزان می‌باشد. این "وام دادن"ها "که کشاورزان فقط برای امور مصرفی از آن استفاده می‌کنند صرفاً همان روش‌هایی است که رژیم سابق نیز انجام می‌داد و مضمون آن وابسته کردن هر چه بیشتر کشاورزان به سرمایه‌ها. بوروکراسی و دولتی و جذب درآمدهای آنان از طریق می‌باشد. این مسئله از این لحاظ نیز اهمیت دارد که حکومت از همان ابتدای تشکیل خود با رها تبلیغ کرده است که در جهت "کمک به کشاورزان"، "افزایش تولید کشاورزی داخلی"، "خودکفائی" و... کامیابی دارد. بویژه بنی صدر کوی سبقت را در این زمینه از دیگران برده است. اکنون بخوبی میتوان سیاست واقعی جمهوری اسلامی را در زمینه کشاورزی بعینه دید. واقعیت این است که عقب ماندگی کشاورزی یکی از مشخصات سرمایه‌داری وابسته است. در این نظام از آنجا که در عرصه کشاورزی نرخ سودآوری پایین است، سرمایه‌گمتر و کندتر در این رشته بکار می‌افتد این بخش اقتصادی در انواع واقسام عقب ماندگی باقی می‌ماند اما اثرات این قانون مندی در کشاورزی را در زمان رژیم شاه دیده‌ایم و این رژیم نیز علیرغم راهبوی، چهار رشتل در همان جهت پیش می‌رود.

همین واقعیت، در زمینه مسکن نیز بخوبی مشهود







بقیه از صفحه ۱۶

بازسازی...

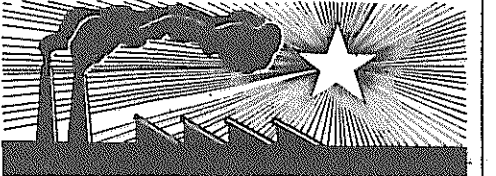
رویم میباید. هیت حاکمه که تا کنون علیرغم شدت دادن سرکوب و ترور انقلابیون و توده‌های مبارز با موج کوبنده و گسترش یافته جنبش توده‌ای مواج شده دریافته که تنها با بسیج دستجات تحریک شده و وابشان چاق‌دار و مسلح نمی‌توانند جلوی مبارزات توده‌ها را بگیرند و نیاز به ترمیم و بازسازی تمام ارگان‌های سرکوبگر خود دارد. از اینرو سنه، جناح‌های هیت حاکمه بر سر تجدید ساختار این ارگان‌ها و در راستای ارتش فداخلفی وحدت نظر دارند و پیام‌های نوروزی آیت‌الله خمینی و بنی‌صدر و کید آنها برای این مسئله دلیل روشن این مدعای ماست.

بسی مدتی این نماینده جیره دست و وزیرک بورژوازی (سرما بهداری) که از همان ابتدای روی کار آمدنش دست به سرکوب خلق‌های تحت ستم و توده‌های زحمتکش زده و توجه ویژه‌ای به بازسازی ارتش فداخلفی و آماده کردن آن برای سرکوب جنبش وسیع توده‌ای دارد. سرکوب دادن همه جانبه ارتش در سرکوب خلق کرد در حین کردستان، برخلاف تهروری که ارتش در سرکوب خلق کرد سرکوب همه‌جا نبوده است. بدلیل تفاوت‌های درونی ارتش و عدم انسجام آن و... تیز خود نشان می‌دهد که بنی‌صدر با "بازسازی" ارتش مجهز فداخلفی برای سرکوب توده‌های مبارز می‌تواند است. سفاخر بنی‌صدر به چای‌ها و روبا زید پادشاه نگاه می‌کنند که طرح آن با او جبری جنبش و قیام مسلحانه توده‌ای در سال ۵۷ با تمام مانده بود تیرا فدا می‌گیری در همین جهاد است. پایگاه در دست ساختار "کنارک" که در نزدیکی بندر چابهار قرار دارد. طرحی امپریالیستی بود که رژیم مزدور شاه برای حفظ و حراست آب‌های گرم خلیج و ایجاد امنیت برای امپریالیست‌های غارتگر و درازا، آن آمریکا، آنرا اجرا می‌کرد و رژیم جمهوری اسلامی اکنون دست به تکمیل آن زده است.

در حالیکه در چند کیلومتری پایگاه "کنارک" مردم‌دشتیاری از آب‌بارانی که سال بسال میبارد جهت نیازهای خود استفاده میکنند، مردم بعضی آبادی‌ها و روستاهای اطراف حتی از همین آب‌باران نیز محرومند و زن‌ها مجبورند برای تامین آب مورد نیاز خود از چند کیلومتری مکانی آب‌را زوی سر خود حمل کنند، رژیم جمهوری اسلامی میلیاردها تومان برای به اتمام رساندن این طرح امپریالیستی نظامی بی‌فایده خرج میکند، رژیم پادشاهی "کنارک" را مثل سایر ارگان‌های سرکوبگر خود تکمیل میکنند. در مقابل‌ها جنبش او جکیرنده توده‌ها و سرکوب مبارزان روبا زید خلق ستم‌دیده بلوچ خود را پیش‌آمازه کند.

علاوه بر این رژیم فداخلفی حاکم که بر سر مابعداری وابسته به امپریالیسم نیکه زده است در ادا مخرجک خود را برای جزای ساداری از مافع امپریالیست‌های غارتگر نخواهد داشت به این لحاظ است که تکمیل چنین پایگاه‌های عریض و طویل در آینده نه چندان دور در خدمت امپریالیست‌ها در آمده و از مافع غارتگرانه آنها در خلیج حفاظت خواهد کرد.

(نقل به اختصار از نشر بلوچ شماره ۲۶ ارگان اتحاد زحمتکشان بلوچستان)



کتابسوزان نشاندهنده وحشت ارتجاع از آگاهی است

سحرگاه روز چهارشنبه ۵۹/۳/۲۱ سه تن از عوامل ارتجاع کتابفروشی آرش را در خیابان شهدای زنجان به آتش می‌کشند و آنگاه همچون خفاشان در تاریکی شب می‌گریزند. "پاران صمد" در این رابطه اعلامیه‌ای منتشر کرده که در زیر قسمتی از آن ملاحظه می‌کنید: "از آنجا که پایه‌های حکومت ارتجاع بر ناآگاهی و ستم‌نویسی استوار است، لذا (ارتجاع) چاره‌ای ندارد جز اینکه به اجتماعات نیروهای انقلابی حمله ببرد، مطبوعات مترقی را توقیف کند، جشن کتابسوزان بر پا سازد و سپس سرمت از جنایات خود پایداری نماید... اگر مردم مبارز و ستم‌دیده، میهنمان آگاه شوند، سرکوب خلق کرد و کشتار زن و کودک آن‌ها مان‌چگونه امکان پذیر می‌شود؟ چگونه خواهند توانست دانشکده‌های کشور را همچون قوم منول به ویرانه تبدیل کنند

و دانشجویان آگاه و انقلابی را کشتار کنند و به جوخه‌های اعدام بپردازند... آری چنین است که آنها از آگاه شدن مردم وحشت دارند و با اینکه از تمام امکانات تبلیغی (راديو، تلویزیون و شوع روزنامه‌ها و...) برخوردارند... با تمام قوا سعی دارند کوچکتر بسن روزنه‌های روشنی و آگاهی را نیز مسدود سازند.

کتاب‌ها می‌شود سوزانند و حتی همراه با آن انسانها را نیز (همانطور که در شوشتر سوزاندند)؛ لکن چنین جنایاتی در مورد افکار و ایده‌های انقلابی کارساز نیست. ایده‌های انقلابی از هر کجا که شده راه خود را باز کرده و در پیوند با زحمتکشان به چنان نیروی مادی بدل خواهند شد که چون سیل خروشان، عوامل ارتجاع و حافظان نظام ستم‌گرا را به‌داری و از سر راه تاریخ خواهند روفت.

باز هم جنایت پاداران در ایران شهر

سپاه پاداران این ابزار سرکوب هیت حاکمه که همراه با ارتش فداخلفی در کردستان خلق ستم‌دیده کرد را به خاک و خون میکشد و در ترکمن صحرا دهقانان زحمتکش را به رکیا می‌بندد و رهبران آنها را ترور میکند، در دانتکا‌ها دانشجویان زننده و انقلابی را خون میکشد و فریادهای حق طلبانه کارکنان بیکار را بوسیله رکیا رسللهای آمریکا بی‌خاموش میکند و... روز دوشنبه ۵۹/۳/۲۹ در ۸ کیلومتری جناده ایران شهر - خاش، "ابراهیم قلندر زهی" زحمتکش دستفروش ایران شهری را با کودک ۱۰ ساله‌اش که دانش آموز کلاس سوم دبستان بود، به رکیا رگلوله بستند و آنها را به خون خویش در غلطانند. در ضمن در این واقعه کودک ۱۱ ساله دیگری زحمتکش نیز زینت زخمی می‌شود. آری، همه این کشتارها و ترورها جواب هیت حاکمه به زحمتکشان است که رنج بیکاری قحطی، گران‌ترین و دیگر بلایای سرما به‌داری وابسته را بدو تن می‌کشند.

پاداران سرما به بعد از کشتار جنایتکارانه این زحمتکشان، بدلیل براسی و توجیه‌سازی می‌افتند و در جواب اعتراض مردم به این عمل وحشیانه آنها را "قاجا قبی حرم‌های" معرفی میکنند و با یک دروغ "اسلامی" خود را پاک جلوه میدهند. اما واقعیت اینست که سزایمانندگی ابراهیم قلندر زهی با دوفرزند کوچکش سوار بر مونسکیلت در جاده مذکور حرکت میکردند، به‌آنان ایستاده می‌سوزانند، اما قبل از آنکه به‌آنها فرصت توقف داده شود به رکیا رگلوله ستم‌سوزند.

بدنبال این عمل وحشیانه عده‌ای از مردم مبارز ایران شهر بعنوان اعتراض در تاریخ (۵۹/۳/۱) در فرمانداری متحن میشوند. آنها خواستار روشن شدن علت کشتار رومحاکمه‌ها ملین آن بودند. پاداران در مقابل این خواست مردم در فرمانداری با دفاع از جنایت خویش، منطق طبقه‌ای رژیم را آشکارا بیان می‌نمایند که: "ما هر کس را که دل‌مان بخواد تیسرور می‌کنیم و احدی را با رای مقاومت و پایداری در مقابل ما نیست."

سرانجام با فشار و فریب مولویهای خود فروخته و ارتجاعیون محلی تحمن شکسته میشود. مردم مجددا در تاریخ ۵۹/۳/۳ به فرمانداری مراجعه میکنند اما فرمانداری فریب و دروغ‌گویی مردم را گول زده و تحت فشار آنها بدروغ اظهار می‌دارد که پاداران عامل قتل دربار زداشت بسر می‌برند.

آخرین خبر رسیده حاکی است که روز ۵/۳/۵۹ دادستان برای رسیدگی به پرونده وارد ایران شهر شده اما بدون روشن شدن قضیه آنها را ترک کرده است.

از پیش مسلم است که بررسی پرونده از طرف آنها کوتاهی است در جهت برده‌بوسی جنایت پاداران روشن شدن حقایق اما توده‌ها خود بهتر از هر کس دیگر ما هیت فداخلفی آنها را می‌شناسند و خواهند شناخت و آن روز در دادگاه خلق، در بیستگاه مردم همه جنایتکاران و عمال ارتجاع به‌سزای اعمال جنایتکارانه خویش خواهند رسید.

(نقل با کمی تغییر از نشر بلوچ شماره‌های ۲۵ و ۲۶)



سید محمد قلندر زهی که بوسیله پاداران مجروح شده است.

عکس جدا ابراهیم قلندر زهی را نشان میدهد.

# تکثیر و پخش «پیکار» وظیفه مبرم و مستمر کلیه هواداران است

## رفقای هوادار!

همانطور که اطلاع دارید و ما هم می‌کنیم، ارجاع برای جلوگیری از آگاهی سوده‌ها روز بروز همسازان خود به نیروهای انقلابی می‌افزاید و احباب و اسرار بر ما آن جلوگیری بعمل می‌آورد. آخرین اقدام در این رابطه "مجازات" ۳ تا ۶ ماه زندان برای فروشندگان بر ما انقلابی نظر "پیکار" است. ما خود به این اقدامات ضد انقلابی طبیعی است که ما در چاپ و انتشار رسیده‌ها در احزاب و مراکز مختلف در این رابطه فعالیت ما در مورد لزوم تکثیر پیکار را از طریق شما رفتن، سخن گفته‌ایم و در اینجا نیز با رد کردن آنرا از طریق می‌توانیم و بخصوص بر اهمیت تکثیر مقالاتی از پیکار بصورت جداگانه و پخش آن در میان توده‌ها تاکید می‌کنیم.

حرا کدر شرایط عدم دسترسی سوده‌ها به این نشریات می‌تواند تا تکثیر و پخش مقالاتی از پیکار، آگاهی سیاسی را میان آنان برود و در این آگاهی آنان قدم برداشته است.

منتهی دیگری که باید با رفقای هوادار در میان گذاشتیم، مشکل فروش "پیکار" است. ارجاع که قبلاً "پیکار" را "توفیق" اعلام کرده است، آنگاه ما سود کمتری از انقلابی فروش عینی آن سرسبز جلوگیری می‌کنیم. ما برای فروش تعدادی معینی از نشریه در حال حاضر یکی از وظایف مهم هر رفیق هواداری است.

رفقای ارجاع می‌خواهد از جریان باقی‌مانده حواس و حقیقت میان مردم ستمدیده جلوگیری سوداها او هرگز نخواهد بود است به آرزوی سرسبز که در میان بسیاری وجود دارد که خالص را هواداران را از امر از شکایت‌ها بکنیم و با این همان دستان پر- توان حمایت که همواره مددکار "پیکار" بوده است، و است که رفقا! با سرعت عمل ارجاع نیاز به تلاش سستی است. برای فروش نشریه پیکار بصورت عینی و در صورت محلی سازماندهی کنید. از امکاناتی که پس می‌آید برای فروش عینی نشریه پیکار استفاده می‌شود... حداقل کاری که هر رفیق باید در این زمینه انجام دهد فروش ۱۰ نشریه پیکار در هفته و بطور دائمی می‌باشد. رفقا! شیئا بانجام کوشش‌های شماست که ما خواهیم توانست بر محدودیت‌ها شای که ارجاع در رساندن سکاره بوده‌ها ایجاد کرده است، فاش آئیم!

پیروز باشید! ★ ★ ★

# حمایت از مجاهدین خلق و وظیفه نیروهای انقلابی است

مسلمان مبتدیان (و البته بعضی از روز دوسه ۱۹ خرداد مجاهدین "با سرجمدی" ۱۸ ساله با کلوله پاسداران بر ما به در خون خود غلطید و در آنها نفرا زهوا- داران مجاهدین دستگیر شدند. آخرین موج این حملات بیورش ما زمان یافته‌ها قیادتان با پشتیبانی مسلحانه پاسداران به جمعیتی بود که برای استماع سخن رانی مسعود رجوی روز ۲۲ خرداد در آمدن آماده بودند. در این حمله وحشیانه چندین تن شهید و صدها نفر زخمی شدند. ارجاع و بویژه حزب جمهوری اسلامی از کسری با یگانه‌نموده‌ای نیروهای انقلابی و منرفی به وحشت افتاده است. لذا برای حفظ موقعیت منزل خود از هیچ جنبشیتی فروگذار نیست.

ما ضمن بزرگداشت یاد مجاهدین شهید، همراه با دیگر نیروهای انقلابی، حمایت خود را از سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام می‌کنیم.

در روزهای اخیر ما حمله وحشیانه و همه‌جانبه پاسداران و وابستگان و حماقتاران حزب جمهوری اسلامی به مراکز و مسیخکهای سازمان مجاهدین خلق و هواداران آن بوده‌ایم. این حملات که بخشی از بر ما به‌ها بی‌کریکرتا به رژیم در جهت سرکوب و گسترش نیروهای انقلابی و منرفی است اکنون استوار گسترده تری بخود کرده و در سبزه‌های مختلف از جمله اردبیل، تهران، بهبهان، سها در عده‌ای ارجاع و هواداران مجاهدین خلق انجام شده است. در روز هفتم خرداد بدستال حمله‌ها در سندان و پاسداران به "انجمن جوانان مسلمان اردبیل" "مجاهد" "احد عزیز" سه سها در رسید، در سها حماقتاران بدستال انجمن جوانان

# بازسازی طرح امپریالیستی پایگاه "کنارک" ...

تحت اسم کدها رسکن کرائی، پیکاری، فحشی و ستم ملی را بدوش میکشند، تا کنون مانع بزرگی بر سر راه حرکت هیئت خاکمه سمت بازسازی سیستم وابسته به امپریالیسم بوده و می‌باشد. جاچه‌ای مختلف درون هیئت خاکمه به همین لحاظ درمان در درازا زمان برداشتن این مانع بزرگ یعنی سرکوب جنبش سوده‌ای و نیروهای انقلابی دانسته‌اند. سیاست سرکوب و ترور و رو چقان هیئت خاکمه از جمله حمله مسلحانه به صفوف کارکنان پیکار در چندین نقطه حمله وحشیانه با جوب و حماقت و اسلحه‌ها و شکارها، بهمان‌را نردستان تهران نیز بخشی از همین سیاست

بحرانهای رژیم جمهوری اسلامی هر روز در سطح کسری می‌باشد و در عمق ریشه می‌دواند. ریشه این بحرانها را باید در ذات کشنده سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جستجو نمود. سیستمی که با تمام مسلحانه‌نموده‌های ما رژیم را بی‌بیکری و وارد دور رژیم جمهوری اسلامی بر آن نگه‌دارد و با تمام قوا در صدد بازسازی و سرنگ است. هیئت خاکمه با وحشت از روزها و کمر بند جنبش سوده‌ای و برای حفظ و استحکام موقعیت خویش، با جوب از بازسازی سیستم و شیاهای سرمایه‌داری وابسته است. ولی مبارزه طبقاتی جاری در بین جامعه یعنی مبارزات حو طلبانه طبقه کارگر و سوده‌های زمینکن و خلقهای

# بازهم درباره: سازمان دست راستی «امل» و پیوند رژیم ایران با آن

هیستند. حال برای سرکوب انقلاب فلسطین و جنبش مترقی لبنان به بازبردگری متوسل شده اند که عبارست از سازمان امل. این سازمان که متافع نهار و ملاکین شیعه را نمایندگی میکند متکی بر گرایشهای فرقه‌گرایانه شیعه و ادعای حمایت و نمایندگی از این طایفه، توده‌های ستمدیده و ناآگاه شیعه را از دشمن اصلی که امپریالیسم صهیونیسم و ارجاع لبنان (فئودالها و بورژواها) هستند منحرف کرده تا نسبتا علیه فلسطینی‌ها و نیروهای مترقی لبنان بسیج می‌کند. فلسطینی‌ها با رها اعلام کرده و ثابت نموده‌اند که خواستار اقامت دائم در لبنان نیستند و هدفشان آزاد کردن فلسطین است ولی "امل" وانمود میکند که کوبا فلسطینی‌ها میخواهند جنوب لبنان را بجای فلسطین بعنوان وطن خود برگزینند! سازمان امل

در سها‌های متعدد پیکار در برابر سازمان دست راستی امل و نقش ضد انقلابی آن علیه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان مطالبی آورده ایم همچنین روابط برخی از مقامات ایران منجمله چمران، طباطبائی، قطب زاده و کمکی‌های مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران به این سازمان ضد انقلابی را افشاء کرده ایم بویژه در آخرین روزهای اسفند سال گذشته تراکتی افشاگرانه که سند جنایت این سازمان ارتجاعی علیه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بود و حمایت ایران از این سازمان را نشان میداد منتشر کردیم که عکس العمل تنیدی را در بین فرمت طلبانی که بر کرسی‌های قدرت در ایران نگه‌دارنده اند همراه داشت. نیروهای ارتجاعی لبنان که هم‌پیمانان امپریالیسم

بقیه در صفحه ۱۲

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست